



## شماره ثبت: ۳۱۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

تولی من قبل الجائر.....	۲
روایت اول.....	۲
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۲
روایت دوم:.....	۳
بررسی روایت از لحاظ سند.....	۳
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۳
روایت سوم.....	۴
بررسی روایت از لحاظ سند.....	۴
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۴
روایت چهارم.....	۵
بررسی روایت از لحاظ سند.....	۵
بررسی روایت از لحاظ دلالت.....	۵



## تولی من قبل الجائر

### روایت اول

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ حُمَرَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَاسْتَقْبَلَنِي زُرَّارَةُ- خَارِجاً مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع- يَا وَلِيدُ أَمَا تَعْجَبُ مِنْ زُرَّارَةَ- سَأَلَنِي عَنْ أَعْمَالٍ هَؤُلَاءِ أَى شَيْءٍ كَانَ يَرِيدُ أَنْ يَقُولَ لَهُ لَا فَيُرَوِّى ذَاكَ عَلَى ثُمَّ قَالَ يَا وَلِيدُ مَتَى كَانَتْ الشَّيْعَةُ- تَسْأَلُ عَنْ أَعْمَالِهِمْ إِنَّمَا كَانَتْ الشَّيْعَةُ تَقُولُ يُوْكَلُ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ يَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ يَسْتَظِلُّ بِظِلِّهِمْ مَتَى كَانَتْ الشَّيْعَةُ تَسْأَلُ عَنْ هَذَا.»<sup>۱</sup>

این روایت در باب مذمت زراره حساب می‌شود. همان‌طور که عرض شد این مذمت باعث تضعیف زراره نیست. یک احتمال این است که بگوئیم به خاطر رک‌گویی و روحیه‌ی زراره حضرت مذمت می‌کنند.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت از لحاظ دلالت سه احتمال وجود داشت. که اظهر این بود که دلالت بر حرمت تولی می‌کند. یعنی زراره سؤال کرد و امام (ع) فرمودند: که این مطلب روشن‌جایی برای سؤال نیست.

اگر احتمال مقابل را بگیریم. یعنی شیعه از این مطالب سؤال نمی‌کند! باید حمل بر تقیه کنیم. این روایت بر حول تحریم و تجویز دور می‌زند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۷.



## شماره ثبت: ۳۱۷۴

### روایت دوم:

«وَالْإِسْنَادُ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَ عَلَى بَابِ دَارِهِ بِالْمَدِينَةِ - فَنَظَرُ إِلَى النَّاسِ يَمْزُونَ أَفْوَاجًا فَقَالَ لِبَعْضِ مَنْ عِنْدَهُ حَدَّثَ بِالْمَدِينَةِ أَمْرٌ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ - وَلَّى الْمَدِينَةَ وَالِ فَعَدَا النَّاسُ - يَهْتَثُونَ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْذَى عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ يَهْتَثُ بِهِ وَإِنَّهُ لَبَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ.»<sup>۱</sup>

می‌فرمایند که ما در کنار درب خانه حضرت (ع) بودیم. جمعیت زیادی از جلوی خانه عبور می‌کردند. حضرت می‌فرمایند: چه خبر است؟ این جمعیت برای چیست؟ شخص جواب داد: والی جدیدی آمده است، این‌ها برای مبارک‌باد می‌روند. حضرت (ع) می‌فرمایند: چه بسا می‌روند به خاطر تولی وی، درحالی‌که این تولی بایی است از ابواب نار.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت کاملاً معتبر است. نقطه‌ی اشکالی ندارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت چند نکته است:

۱. در دلالت حرمت این روایت، تردیدی نیست. زیرا می‌فرماید تولی وی، دری از ابواب جهنم است. این وعده عذاب است و وعده عذاب، نشان‌دهنده حرمت است.

۲. ظهور اولیه کلام در قضیه شخصی است. ارتکاز عرفی متوجه می‌شود که ولایت شخص نامشروع است. سه احتمال در جملات «ان الرجل لیُعْذَى عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ يَهْتَثُ بِهِ» و «انه لباب من ابواب النار» وجود دارد. جمله اول و دوم را عام بگیریم که دلیل بر بحث ماست. احتمال دوم این است که بگوییم هر دو شخصی است و دلیل بر بحث ما نیست. احتمال سوم نیز این است که اولی شخصی باشد و دومی مطلق باشد. باز هم به بحث ما ربط دارد. اگر احتمال اول بگیریم، الغای خصوصیت نیز می‌شود.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۸۸.



## شماره ثبت: ۳۱۷۴

### روایت سوم

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُهَاجِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَلَانٌ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ فَقَالَ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قُلْتُ يَسْأَلُونَكَ الدُّعَاءَ قَالَ وَمَا لَهُمْ قُلْتُ حَبَسَهُمْ أَبُو جَعْفَرٍ - فَقَالَ وَمَا لَهُمْ وَمَا لَهُ فَقُلْتُ اسْتَعْمَلَهُمْ فَحَبَسَهُمْ فَقَالَ وَمَا لَهُمْ وَمَا لَهُ أَلَمْ أَنَّهُمْ أَلَمْ أَنَّهُمْ أَلَمْ أَنَّهُمْ هُمُ النَّارُ هُمُ النَّارُ هُمُ النَّارُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اجْدَعْ عَنْهُمْ سُلْطَانَهُمْ - قَالَ فَأَنْصَرَفْنَا مِنْ مَكَّةَ فَسَأَلْنَا عَنْهُمْ فَإِذَا هُمْ قَدْ أُخْرِجُوا بَعْدَ الْكَلَامِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»<sup>۱</sup>

جناب یحیی به امام (ع) سلام شیعیان را می‌رساند. در ادامه می‌گوید التماس دعا دارند. حضرت (ع) می‌فرماید: چه می‌خواهند. یحیی می‌گوید که منصور دوانیقی این‌ها را حبس کرده است. امام (ع) می‌فرماید: این‌ها چه ارتباطی داشته‌اند. یحیی می‌فرماید: ایشان کارگزار وی بودند و بعد چون دید که از شیعیان شما هستند آن‌ها را حبس کرده است. حضرت (ع) می‌فرماید: سه بار می‌فرماید مگر من آن‌ها را منع نکرده بودم. دوباره سه بار می‌فرماید این دستگاه آتش است. بعد حضرت (ع) دعا کردند و بعد از سه روز از دعای حضرت (ع) ایشان آزاد شدند.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این سند محل اشکال است. سنان دارای اشکال است. (ما تضعیف وی را قائلیم) یحیی بن ابراهیم نیز توثیق خاصی ندارد. سند اعتباری ندارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این دلالت چند نکته وجود دارد:

۱. نهی حضرت و هم النار، احتمال شخصیه و حقیقیه بودن دارد. ولی اظهر قضیه حقیقیه است. اشکال مسئله از حیث انتساب این ولایت و عمل به ابوجعفر بوده است.

۲. ظهور مسئله در تولی من قبل الجائر قوی است و ظهور در حرمت دارد.

<sup>۱</sup> - همان.



## شماره ثبت: ۳۱۷۴

این روایت دلالت تام دارد. البته سنداً محل بحث است.

### روایت چهارم

«وَعَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرَيْبٍ قَالَ أَخْبَرَنِي مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَقَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْحِيرَةَ فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ كَلَّمْتُ دَاوُدَ بْنَ عَلِيٍّ - أَوْ بَعْضَ هَؤُلَاءِ فَأَدْخَلَ فِي بَعْضِ هَذِهِ الْوَلَايَاتِ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَفْعَلَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ ظَنَنْتُ أَنَّكَ إِنَّمَا كَرِهْتَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ أَجُورَ أَوْ أَظْلِمَ وَإِنَّ كُلَّ امْرَأَةٍ لِي طَالِقٌ وَكُلَّ مَمْلُوكٍ لِي حُرٌّ وَعَلَى وَعَلَى إِنَّ ظَلَمْتُ أَحَدًا أَوْ جُرْتُ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ أَعْدِلْ قَالَ كَيْفَ قُلْتَ فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ الْأَيْمَانَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ تَنَاوُلُ السَّمَاءِ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ.»<sup>۱</sup>

می‌گوید در کوفه بودم، امام صادق (ع) در آنجا آمدند. خدمت حضرت می‌رود و حضرت را واسطه می‌کند تا در دستگاه شغلی پیدا کند. به حضرت می‌گوید احتمالاً شما ترستان از این است که من در دستگاه بروم و ظلم و جور بکنم و بعد قسم می‌خورم که اگر ظلم کردم چنین و چنان شوم. حضرت می‌فرماید چه گفتی؟ دوباره قسم‌ها را تکرار می‌کند. حضرت (ع) می‌فرماید: از اینکه به آسمان برسی راحت‌تر از این است که در دستگاه بروی و ظلم نکنی. یعنی این امر شدنی نیست.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت موثق نیست. تا داوود بن زریب صحیح است. اما بعد از آن مجهول است. این سند مرسله است. مولى لعلی بن الحسین که از موالی حضرت سجاد (ع) بوده است، مشخص نیست.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

نکات دلالت:

۱. شخص متقاضی وساطت امام (ع) بود. برداشت شخص این بوده است که کار مشکل دارد و امام این را نمی‌پسندد. امام (ع) نیز این برداشت را منع نکرده است. همان برداشت را ایشان تقریر کرده‌اند. در نتیجه دلالت بر حرمت واضح است.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.



## شماره ثبت: ۳۱۷۴

۲. نکته اساسی بحث این است که ورود بر ولایت جور به چه علت حرام است؟

یک احتمال این است که تولی به ما هو هو حرام است. بحث ما نیز همین است و مدعای ماست.

احتمال دیگر این است که اصل تولی اشکالی ندارد. اگر هم می‌گوییم اشکال دارد به خاطر این است که در ولایتش ظلم به وقوع می‌پیوندد. بعضی گفته‌اند که ظاهر روایت در همین احتمال است.